



کننده من را انتخاب کرد و بازی هم کردم. همین مسئله سبب شد بیشتر دیده شوم؛ البته مردم به هوای سعید را د سینمای می آمدند و این نکته سبب شد همه از جمله مردم، تهیه کننده و کارگردان ها من را هم ببینند و از این به بعد بازی در نقش های اصلی به من پیشنهاد شد.

اگر موافق هستید بفرمایید که چه طور شد دخترتان شما را راضی کرد تا پاپه دنیای بازیگری بگذارد؟

من یک مرتبه گفته بودم که موافق ورود نیکی به دنیای بازیگری نیستم؛ ولی آن حرف مربوط به زمانی بود که سینمای ما، از دهه هفتاد آن چنان پر بار نبود. دهه شصت و هفتاد ما فیلم هایی همچون «جنگ نفت کش ها»، «سگ کشی»، «سرب»، «جاده های سرد»، «در مسیر تند باد» و «کشتی آنجلیکا» و «ناخدا خورشید» را داشتیم، کم تر فیلمی ساخته می شد که آن ارزش را داشته باشد.

سپس یک دگرگونی در سینما اتفاق افتاد. شما قبل از دهه شصت و هفتاد اگر جشنواره فیلم فجر می رفتید، سینمای ملی را می دیدید، اما اکنون نمی بینید. یعنی از میانه هشتاد فیلم هایی که ساخته می شود، می بینید لوکیشن هفتاد فیلم در تهران است. ولی در گذشته این گونه نبود. در جشنواره اگر صد فیلم ساخته می شد لوکیشن هفتاد فیلم در شهرستان ها بود و این سبب می شد تا مردم ما بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند و با آداب و رسوم و پوشش و گویش اقوام و نوزندگی و شهرهای دیگر آشنا شوند. به همین دلیل آن موقع عده ای از دوستان سینمایی پشت سر سینما و خانواده سینما حرف هایی در جراید می زدند که در شان هنرمندان ایران و خانواده سینما نبود.

چه حرف هایی؟

می گفتند... شما یادتان نیست. دهه هشتاد عده ای حرف هایی می گفتند. من به همین دلیل علاقه نداشتم دخترم وارد سینما شود و خودش نیز به این حرف من رسید که نباید ورود پیدا کند. او در شروع کار طراحی لباس و صحنه انجام داد و پشت دوربین فعالیت کرد تا با محیط کار و نوع بازی و فیلمنامه آشنایی پیدا کند. علاوه بر آن در کلاس های بازیگری حمید سمندریان شرکت کرد. اکنون او به مدت دو سال است که تئاتر کار می کند. در سریال «بچه های نسبتا بد» هم بازی کرد. تمرکز او روی تئاتر است البته تصمیم دار وقت بیشتری

برای سینما بگذارد.

آیا مادر سینمای خودمان بازیگری داریم که تعریف ستاره را داشته باشد؟

نمی توانیم نداشته باشیم. باید ستاره و سوپر استار داشته باشیم؛ منتها ستاره سوپر استاری است که فقط شهرت نداشته باشد بلکه باید محبوبیت هم داشته باشند. محبوبیت داشتن خیلی سخت است. هر کار غیر عادی در جامعه انجام دهی می توانی ستاره شوی اما نمی توانی هر کاری انجام دهی تا در جامعه محبوبیت داشته باشیم. بنابراین برای محبوبیت داشتن باید متوجه و مواظب نوع لباس پوشیدن، برخورد با مردم، انتخاب کار و کارهایی که در جامعه عرف نیست باشیم. اگر هنرمندی می خواهد سوپر استار یا ستاره شود اول باید محبوب باشد و مردم دوستش داشته باشند.

برای رسیدن به این محبوبیت چه کاری باید انجام داد؟

ابتدا باید آگاهی کامل به فرهنگ جامعه و آگاهی کامل نسبت به کاری که داری انجام می دهی داشته باشی، نسبت به کاری که انجام می دهی صادق باشی، رفتار ت در جامعه درست باشد چون دوربین و صحنه خیلی بی رحم است ما نمی توانیم دروغ بگوییم و مردم نفهمند. شما نمی توانی جلوی دوربین دروغ بگویی و مردم متوجه نشوند. مطمئناً شما باید صادقانه در ارتباط با کارتان و مردم برخورد کنید.

می گفتند در سینما باید بازی زیاد حاکم است و حتی مجید مظفری که دخترش ورود به این حرفه پیدا کرده پدرش او را به دوستان خود برای بازی معرفی می کند؛ یا محمد رضا شریفی نیا بازیگرانی را به سینما معرفی کرده و وقتی از او می پرسند که تو باند داری می گوید نه من استعداد کشف می کنم و واسطه ای بین بازیگر و کارگردان هستم و به سینما کمک می کنم... شما با این حرف ها موافقت؟

یک سخنی را باید به شما بگویم، من هم به اشتباه این فکر را می کردم؛ اما وقتی به آدم هایی که این کار را می کنند نزدیک شدم مانند محمدرضا شریفی نیا؛ دیدم که دارند به سینما خدمت می کنند. در هر صورت این سینما احتیاج به بازیگر جوان و با استعداد دارد. حالا خودش یک خلاقیت و استعدادی می خواهد که تشخیص دهد این آدم استعداد و خلاقیت ورود به حرفه بازیگری را دارد یا خیر. معتقدم محمدرضا یکی از

آدم های تیز هوش و متوجه این ماجراست. اگر او صد نفر را به سینما معرفی کرده ۹۹ نفر آن ها به درد این سینما خورده اند و درصد کمی به درد سینما نخورده و اشتباه انتخاب شده اند. بنابراین شریفی نیا خیلی به سینما کمک کرده است و یک مدتی که افرادی مانند محمدرضا نبودند سینمای ما خیلی لقی شده بود، یعنی در و پیکری نداشت و آدم های آمدند و از کنار این قضایا کارهای دیگری انجام می دادند و این سبب وقوع خیلی حواشی و مسائل شده بود و همین مسئله هم سبب شده بود خیلی ها پشت سر سینمای ایران هر چه دل شان می خواست می گفتند. این نکته را هم بگویم که فردی که پول می دهد و وارد سینما می شود، ماندگار نخواهد شد. فردی هم که با پارتی بازی وارد می شود ماندگار نخواهد شد. من هم روز نخست که دخترم تصمیم گرفت کار کند او را در کلاس های حمید سمندریان ثبت نام کردم. اکنون هفته ای دو کتاب را حتما مطالعه می کند، نمایشنامه می خواند، با افراد حرفه ای تئاتر کار می کند و خودش را دارد آماده می کند تا مانند تئاتر جلوی دوربین هم موفق باشد.

دلیل دوری تان از سینما چیست؟

در گذشته هم گفته ام. وقتی به سابقه سینمایی ام نگاه می کنم و می بینم ۴۵ فیلم بازی کرده ام که شاید از میان آن ها ۵ فیلم بد، ۱۰ فیلم تجاری و ۳۰ فیلمش در تاریخ سینمای ایران به ثبت رسیده است و سواسم بیشتر می شود. من با آدم های بزرگ این سینما کار کرده ام. ۵ سال قبل هر سناریو که به من می دادند نمی توانستم بخوانم و قبول کنم و سابقه خود را زیر سوال ببرم و خراب کنم. چون فیلم نامه ها خیلی ضعیف بودند. البته اکنون ۴-۵ سالی است که کیفیت فیلم نامه ها خوب شده است، کارگردانان جوان خوب کار می کنند. ولی ۲-۳ کار به من پیشنهاد شد، برای ۲ کار به نتیجه نرسیدیم و برای بازی در یک اثر هم مشغول بازی در سریال بودم و نشد کار کنم.

در کارنامه هنری تان اثری بوده که از بازی در آن پشیمان شده و ناراضی باشید؟

بله- برای بازی در خیلی از کارها اشتباه کردم به خصوص در تلویزیون. ۴-۵ فیلم سینمایی هم بود که اشتباه کردم بازی کردم.

اگر به گذشته برگردید این مسیری را که تا کنون طی